

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پرابیر پورکایاستا
فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ اگست ۲۰۱۹

دیپلماسی کشتی توپدار در تنگه هرمز



بحران کنونی ایران ممکن است با خروج ترامپ از معامله اتمی آغاز شده باشد. اما دلیل او برای کنار نهادن معامله نه توانایی اتمی ایران است و نه برنامه انرژی اتمی آن. ترامپ باور دارد که ایالات متحده از طریق «حداکثر فشار»- بخوانید جنگ اقتصادی- می‌تواند ایران را به تسلیم وادارد. سه خواستی که هسته دوازده شرط ترامپ-پومپئو را تشکیل می‌دهند عبارتند از: از فن‌آوری اتمی دست بردار؛ از توانایی راکتی دست بردار؛ حمایت از کشورها یا گروه‌های خارج از مرزهای خود را متوقف کن. این از ایران می‌خواهد خلع سلاح شود؛ هیچ فن‌آوری پیشرفته‌ای نداشته باشد- زیرا هم فن‌آوری اتمی و هم فن‌آوری راکتی دارای کاربرد دوگانه هستند؛ و از حق خود برای پیش برد یک سیاست خارجی مستقل دست بردارد. به سخن دیگر، این خواست‌ها ناقوس مرگ ایران را به مثابه یک ملت مستقل به صدا در می‌آورند.

صحنه اکنون برای برخورد فاجعه‌بار بین نیروی‌های بحری امریکا- انگلیس و نیروی بحری ایران در آب‌های پر تردد تنگه هرمز آماده شده است. تنگه هرمز خلیج فارس را به بحیره عربی متصل می‌کند و مهم‌ترین گلوگاه نفت جهان را که

حدود ۳۰-۳۵ درصد کل تجارت نفت از آن می‌گذرد تشکیل می‌دهد. تازمترین حرکت امریکا و انگلیس برای ارائه «حفاظت» به کشتی‌های تجاری به وسیله کشتی‌های جنگی خود در تنگه هرمز، اعلام حقوق امپریالیستی بر قلمرو آبی ایران است. به سخن دیگر، چیزی است که در دوران گذشته دیپلوماسی کشتی توپدار نامیده می‌شد. ایران این‌را نخواهد پذیرفت.

این دور از تشدید تشنج‌ها با توقیف نفتکش‌ها، ابتداء به وسیله انگلیس و سپس به وسیله ایران آغاز شد. هر دو مورد در راه‌های آبی چنان باریکی رخ داد که آن‌ها را در محدوده ۱۲ میل بحری قلمرو آبی کشورهای مجاور آن‌ها قرار می‌دهد. پهنای تنگه جبل‌الطارق فقط ۷ میل بحری و پهنای تنگه هرمز ۲۱ میل بحری است. اگر قرار باشد کشتی‌ها فقط با استفاده از آب‌های بین‌المللی تردد نمایند، یک راه آبی باید ۲۴ میل بحری به علاوه ۶ میل بحری دیگر پهنای داشته باشد. شش می‌بحری اضافی باید دو خط را در دو جهت، و هر یک به پهنای ۲ میل بحری، و با فاصله ۲ میل بحری از یک دیگر را برای عبور کشتی‌ها فراهم نماید.

اگر راه‌های آبی مانند تنگه هرمز چنان باریک باشند که در آن‌ها آب‌های بین‌المللی برای عبور کشتی‌ها وجود نداشته باشد چه رخ خواهد داد؟ در اینصورت، آیا ایران به مثابه یک دولت ساحلی می‌تواند ادعا کند که حق دارد تصمیم بگیرد چه کسی از تنگه که در قلمرو آبی آن قرار دارد استفاده کند؟ این یکی از موضوعاتی است که «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد» (UN Convention of Law of Seas) به آن پرداخته است، این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید و از سال ۱۹۹۴ اجرائی شد، به کشتی‌ها-هم نظامی و هم غیرنظامی- حق عبور بی‌ضرر (innocent passage) از این تنگه‌ها را می‌دهد. شرط در اینجا «عبور بی‌ضرر» است که در ماده ۱۹ تعریف شده است. اگر ایران تشخیص دهد که کشتی‌های جنگی امریکائی-انگلیس «حفاظت کننده» در واقع ایران را تهدید می‌کنند، یا درگیر مأموریت‌های جاسوسی هستند، یا در دستگاه‌های ارتباطی آن مداخله می‌نمایند حق دارد مانع عبور آن‌ها شود.

ایران «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد» را امضاء کرده است، با این شرط که حقوق مندرج در آن‌را به کشورهایی که آن‌را امضاء نکرده اند بسط نخواهد داد. ایالات متحده گرچه کاملاً در مذاکرات درگیر بود، اما از امضاء یا تصویب «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد» امتناع کرده است. «توافق تغییرات اقلیمی پاریس» و «برنامه جامع اقدام مشترک» تنها پیمان‌هایی نیستند که ایالات متحده مذاکره کرده و آن‌ها را زیر پا گذاشته است.

پس ایالات متحده چه چیز را به مثابه حقوق کشتیرانی خود می‌پذیرد؟ ایالات متحده در ظاهر از «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد» تعریف می‌کند. اما در سال ۱۹۸۲، همان سال که «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد» امضاء شد، ایالات متحده بر اساس چیزی که حقوق مرسوم می‌نامد یکسری حقوق تنظیم کرد. ایالات متحده این حقوق را تحت «آزادی کشتیرانی-برنامه و عملیات رفتاری» در هر بخش از جهان که لازم بداند «اجراء می‌کند». این بدین معنی است که ایالات متحده «حق» خود می‌داند، به مثابه قدرت بحری برتر در جهان، در هر کجا، هر کاری خواست انجام دهد. در دوران استعماری، «اعمال» اینگونه حقوق قدرت‌های قدرقدرت، دیپلوماسی کشتی توپدار نامیده می‌شد. اکنون «آزادی کشتیرانی-برنامه و عملیات رفتاری» نامیده می‌شود.

تلاش امریکا و انگلیس برای کنترل تنگه هرمز با کشتی‌های جنگی‌شان، حقوق ایران بر تنگه هرمز را زیر سؤال می‌برد. تحت «کنوانسیون حقوق ابحار ملل متحد»، ایران می‌تواند ادعا کند کشتی‌های جنگی امریکا و انگلیس نمی‌توانند به نام تأمین امنیت برای کشتی‌های تجاری از حق عبور بی‌ضرر از تنگه هرمز استفاده کنند. به زبان ساده، هیچ کشوری نمی‌تواند کشتی‌های ایران را توقیف کند، صادرات نفت آن‌را متوقف نماید، و هنوز ادعا کند که می‌تواند در پوشش عبور بی‌ضرر یک ناوگان جنگی به قلمرو آبی ایران بفرستد.

البته منطق بزرگتر ایران، که روحانی آن را بیان کرد بسیار ساده است: یا همه کشورها برای صدور نفت خود از تنگه هرمز امنیت دارند، یا هیچ کشوری نخواهد داشت.

این ما را به آغاز جنگ جدید نفتکش‌ها بازمی‌گرداند. این جنگ با توقیف نفتکش «گریس ۱» با ۲ میلیون بشکه نفت خام در تنگه جبل الطارق به وسیله انگلیس و با ادعای تحریم‌های اتحادیه اروپائی آغاز شد. ایران با توقیف نفتکش انگلیس «استنا ایمپرو» در تنگه هرمز با ادعای نقض قوانین بحری پاسخ داد.

انگلیس ادعا می‌کند «گریس ۱» را تحت تحریم‌های اتحادیه اروپائی علیه سوریه توقیف کرد، همان اتحادیه اروپائی که با شتاب در حال خروج از آن است. اکثر مفسرین اکنون پذیرفته اند که انگلیس برای اجرای تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران اقدام کرد. حق قانونی انگلیس برای توقیف کشتی‌ها یا کالاهای در تنگه جبل الطارق جای بحث بسیار دارد. این نفت ایران است؛ و حتی اگر آنطور که انگلیس ادعا می‌کند قرار باشد به سوریه برود، سوریه تحت تحریم‌های سازمان ملل- تنها تحریم‌های بین‌المللی که به حساب می‌آیند- قرار ندارد.

سکوت «سرویس اقدام خارجی اروپائی»، نهاد اتحادیه اروپائی مسئول برای سیاست خارجی آن، پیرامون عمل انگلیس که ظاهراً برای اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپائی صورت گرفته بسیار گویا بود. حتی کارل بیلدت، رئیس مشترک شورای اروپائی برای روابط خارجی در اظهار نظر بسیار مقید بود: «... کسی به تحریم‌های اتحادیه اروپائی علیه سوریه اشاره می‌کند، اما ایران عضو اتحادیه اروپائی نیست و اتحادیه اروپائی به عنوان یک اصل تحریم‌های خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کند. این کاری است که ایالات متحده انجام می‌دهد.»

ایران ادعا کرده است نفتکش انگلیس «استنا ایمپرو» به این دلیل توقیف شد که با یک کشتی ماهیگیری تصادف کرد، ماهیگیران را شدیداً مجروح کرد و تماس‌های اضطراری قایق را نادیده گرفت. «استنا ایمپرو» زمانی که با قایق‌های کشتی ایران روبه‌رو شد دستگاه ارتباطاتی خود را خاموش کرد و سعی کرد دور بزند که آن را در جهت خلاف کانال عبور قرار داد و کشتی‌های دیگر را به خطر انداخت. از اینرو، پاسداران ایرانی کشتی را متوقف کردند تا در دادگاه ایران به خاطر نقض قوانین بحری و مقررت عبور در تنگه محاکمه شود.

آیا ادعاهای ایران قابل اعتمادند؟ یا فاکت‌ها برای توجیه یک عمل به مثل در برابر انگلیس «ساخته» شده اند؟ اگر در تنگه هرمز یک تخلف بحری صورت گرفته باشد، ایران حداقل در قلمرو خود صلاحیت حقوقی دارد. صلاحیت حقوقی انگلیس برای توقیف «گریس ۱» بر شالوده بسیار سست‌تری قرار دارد.

بحران کنونی ایران ممکن است با خروج ترمپ از معامله ائومی آغاز شده باشد. اما دلیل او برای کنار نهادن معامله نه توانائی ائومی ایران است و نه برنامه انرژی ائومی آن. ترمپ باور دارد که ایالات متحده از طریق «حداکثر فشار»- بخوانید جنگ اقتصادی- می‌تواند ایران را به تسلیم وادارد. سه خواستی که هسته دوازده شرط ترمپ-پومپئو را تشکیل می‌دهند عبارتند از :

۱- از فن‌آوری ائومی دست بردار؛

۲- از توانائی راکتی دست بردار؛

۳- حمایت از کشورها یا گروه‌های خارج از مرزهای خود را متوقف کن.

این از ایران می‌خواهد خلع سلاح شود؛ هیچ فن‌آوری پیشرفته‌ای نداشته باشد- زیرا هم فن‌آوری ائومی و هم فن‌آوری راکتی دارای کاربرد دوگانه هستند؛ و از حق خود برای پیش برد یک سیاست خارجی مستقل دست بردارد. به سخن دیگر، این خواست‌ها ناقوس مرگ ایران را به مثابه یک ملت مستقل به صدا در می‌آورند.

ایالات متحده یک «ائتلاف مشتاقان» جدید را برای ایجاد یک ناوگان جنگی برای کنترل تنگه هرمز پیشنهاد کرده است. متحدین اروپائی آن- حتا انگلیس- با این پیشنهاد محتاطانه برخورد می‌کنند. گرچه انگلیس درباره حفاظت از کشتی‌ها خود مستقل از ایالات متحده صحبت می‌کند، نیروی بحری امروز آن بسیار ضعیف‌تر از آن است که به این وظیفه عمل کند: نیروی بحری انگلیس نمی‌تواند همتای قدرت آتش ایران در آب‌های ایران باشد. با این وصف، انگلیس اگر به عملیات بحری ایالات متحده ملحق شود یک ارزش نمادین دارد. با پدیدار شدن برکسیت در افق، انگلیس از روی ناچاری به یک معامله تجاری مساعد با ایالات متحده نیاز دارد؛ این ممکن است آن‌را به بدبختی بحری امریکا در تنگه هرمز مجبور کند.

چرا من به این بدبختی بحری می‌گویم. من باور ندارم که ایالات متحده، در یک جنگ متعارف بتواند آتشبار راکتی، تحت البحری‌ها و قایق‌های بحری ایران را کاملاً خنثا نماید، و کنترل کامل بر تنگه هرمز را مستقر کند. ایران می‌تواند یک جنگ نامتقارن را پیش ببرد، که در آن تنها هدفش بستن تنگه هرمز، و نه «پیروز شدن» است. ایالات متحده نه فقط باید تنگه هرگز را باز نگه دارد، بلکه باید از همه کشتی‌ها از جمله ۱۵ کشتی نفتکش عظیمی که هر روز از تنگه هرمز عبور می‌کنند حفاظت نماید. حتا اگر یکی از این نفتکش‌ها هدف واقع شود، تأثیر آن نه فقط در محیط بحری، بلکه بر صاحبان کشتی‌ها و بیمه‌کنندگان آن‌ها فاجعه‌بار خواهد بود. دیپلماسی کشتی توپدار فقط می‌تواند ایالات متحده تا اینجا ببرد. در جهان وابسته به یکدیگر امروز، تنها چاره دیپلوماسی واقعی است.

آیا ما به یک جنگ بر سر رویارویی ایالات متحده- ایران نزدیک می‌شویم؟ اگر ما «ساعت آخرالزمان» دانشمندان اتومی را با ساعت مشابهی برای نفت در نظر بگیریم، احتمالاً یک دقیقه تا نیمه‌شب فاصله داریم. برای جهان، به ویژه برای جنوب، جنوب شرق و شرق آسیا، جنگ در منطقه‌ای که بخش عمده نفت جهان را تأمین می‌کند فاجعه‌بار خواهد بود. پس چرا ما خوابیده به سوی یک جنگ دیگر راه می‌رویم؟

متن کنوانسیون حقوق ابحار سازمان ملل:

https://www.un.org/depts/los/convention_agreements/texts/unclos/unclos_e.pdf

منبع: نیوز کلیک

تارنگاشت عدالت